



# پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۵ ۱۱ اسفند ۲۵۸۱ شاهنشاهی، ۱۴۰۱ خورشیدی، ۳ مارچ ۲۰۲۳ ترسای  
تلفن گروه نویسندگان و نگارش در آمریکا ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ در اروپا ۰۱۱۳۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳

## بازگشت به خویشتن خویش

بخش چهارم

### ژاله دفریان

چند روز تلویزیون من و تو برنامه ای پیاده کرده بود که شاهزاده رضا پهلوی بتوانند با مردم ایران در درون مرز گفتگو کنند

پیش از هر چیز از شاهزاده رضا پهلوی سپاسگزاری می کنیم که پذیرفتند چنین برنامه ای برپا شود. ایشان با سادگی هر چه بیشتر، پاسخ شنوندگان را دادند دو دیگر اینکه از کارکنان رادیو تلویزیون من و تو سپاسگزاری می کنیم که چنین برنامه ای را برپا کردند

در این برنامه، برخی از کسانی که از ایران تلفن می کردند، از اینکه توانسته بودند یک راست با شاهزاده رضا پهلوی سخن بگویند به هیجان آمده، به گریه افتاده و پرسش خود را از یاد می بردند

این برنامه به خودی خود تو دهنی بزرگی بود به کسانی که می کوشند، شاهزاده رضا پهلوی را از جایگاهی که دارند پایین کشیده و ارزش ایشان را کم کنند. با برپا شدن این برنامه چه جمهوری اسلامی، چه چپ ها، چه مجاهدین خلق، چه جمهوری خواهان، و چه کسانی مانند بانو مسیح علی نژادها و چه آنانی که نواله (لقمه) ای بزرگتر از دهان خود برداشته اند، دانستند که می باید در برابر راستینگی ها (حقائق) سرفروند آورند و به خواست ملت ایران گردن نهاده و تن در دهند

در این برنامه شاهزاده رضا پهلوی یادآور شدند که پرچم پیکار با جمهوری اسلامی را به دوش گرفته و تا سرنگونی آن از پای نخواهند نشست.

## مانده ایران

## ادامه ناسیونالیسم چون یک علم

از دکتر محمد رضا عاملی تهرانی

### دیروز و امروز فردا

گفتیم که ناسیونالیسم را بمنزله یک علم میشناسیم ناسیونالیسم علم شناسایی قوانین و شرایط هستی و سربلندی ملتهاست .

ملت چون یک موجود زنده ، تنها در شرایط خاص تحت نظامات و قوانین مخصوص باقی میماند ، این شرایط برای هر ملت نسبت به ملت دیگر فرق میکند ، از طرفی مفهوم سربلندی و عظمت خود مفهوم ثابتی نیست ، در آغاز چنین بنظر میرسد که هر کس مفهوم عظمت و سربلندی را هرگونه میخواهد در نظر بگیرد و آنرا ملاک عمل قرار دهد.

ولی علم ناسیونالیسم نشان خواهد داد که افراد نمیتوانند مفهوم سربلندی را بنا به سلیقه و امیال خود تعیین کنند .

زیرا هستی و سربلندی دو مفهوم جدایی ناپذیرند که تنها خصوصیات زمان آنها را از یکدیگر جدا کرده است .

برای درک بیشتر:

اگر ناسیونالیسم را تنها شناسایی قوانین و شرایط بقای ملت بدانیم موضوع بسیار ساده بنظر میاید زیرا در این تعریف مفروضاتی هست.

ملت مجموعه شناخته شده است که هم اکنون وجوددار و هم در طول زمان معینی وجود داشته است حال چه عواملی سبب باقی ماندن ملت بوده است .

در اینجا سوابق تاریخی مقایسه تاریخ ملتها بکمک

## درفش رهایی بخش و فرهنگ ساز فردوسی از ایران

علیرضا طر خانی

هرگاه می‌کوشیم در ژرف‌دریای خرد و اندیشه‌ی جهان‌پهلوان سُن و فرهنگ ایران زمین، فردوسی توان‌مند شناور گردیم، خواهیم دید بی‌کران ژرف دریای پُرخروش دانش و خرد فردوسی، این پارسی زاده‌ی پارسی‌کیش آن‌چنان ژرف و پُرتوان است که اگر همه‌ی سخنوران بزرگ جهان نیز بخواهند در این دریا شناور شوند، سرانجام تن به بی‌همتایی سُن و روان به بندگی اندیشه‌ی او خواهند سپرد و در خواهند یافت که هرچه باشند، در برابر این آوات خروشنده و خدایگان خرد بی‌همانند آفرینش، اندک و ناچیزند.

یکی از دُشواری‌های بزرگی که فرهنگ و اندیشه‌ی فردوسی در دوران کنونی و دوره‌های پیشین زندگی ما ایرانیان داشته است، ایرانی ناب بودن فردوسی و آلوده بودن بیشتر کسانی است که دستی بر قلم دارند. فردوسی برای این که همگان را به این راستینگی آگاه سازد که همه چیز را همگان دانند و گذر زمان نیز خود آموزگار بزرگتری برای آدمیان است و هر روز آموزه‌ی نوین و اندیشه‌ی نوتری را به آدمی می‌آموزاند.

چو دیدار یابی به شاخ سخن  
بدانی که دانش نیاید به بن

از این‌روی فردوسی توانمند در شاه‌نامه و یا خدای‌نامه‌اش کوشش بسیار به‌کار برده است تا نخست آدمی را به آن‌جایی بکشاند که هوس و خواهش دانش‌پژوهی در او زنده و توانمندتر از دیگر نیروهای روانی‌اش شود. زیرا او در روزگاران زندگی سرشار از دلواپسی خود به‌خوبی دریافته بود که بزرگ‌ترین گرفتاری‌های زمان دارد به‌همراه سپاه نادانی و خرافه به میهن و هم‌میهنش می‌تازد و اگر بدین‌گونه پیش برود، دیرگاهی نخواهد پایید که از ایرانیان آزاده و آنان که خداوندگار فرهنگ کهن ایرانی و سروران دانش جهانی بوده‌اند، چیزی به‌جز تَفاله‌ای از اندیشه‌ی بیگانگان و نادانی و گرایش‌گری

ما می‌آید و با توجه به خصوصیات جغرافیایی و روانی یک ملت می‌توانیم پاره‌ای عوامل را برشماریم و بگوییم این عوامل سبب دوام و بقای فلان ملت بوده است.

بعبارت دیگر اگر شناخت قوانین حیاتی یک ملت تنها تا تاریخ امروز مطرح بود، روش بررسی تاریخی و مقایسه تاریخی شیوه‌ای کافی بشمار می‌آید، و ما تنها با زمان گذشته تماس می‌داشتیم اما ملتی که امروز هست فردا نیز خواهد بود، اما نه با آن خصوصیات که امروز هست، بلکه دچار تحول و تغییراتی خواهد گشت.

ملتهایی در آینده مسیر زوال را خواهند پیمود و ملتهایی در بستر ترقی و عظمت گام خواهند برداشت، موجودیت امروز ملتها از صرف مایه‌های حیاتی دیروز پدید آمده بهمین دلیل آسان است که علل وقایع امروز را در دیروز پیدا کنیم.

ولی باید بدانیم که موجودیت امروز خود خمیر مایه موجودیت فردا بشمار می‌آید و در حقیقت فردای ملت ما در امروز نهفته است.

ما چنین عادت داریم که آنچه امروز دردست داریم، هستی و موجودیت بنامیم و آنچه را فردا بدست خواهیم آورد، آرزو بدانیم در صورتیکه از نظر سیر تاریخ، فردا نیز چون امروز است و فردا نیز جنبه هستی دارد. بهمین دلیل «قوانین هستی ملت از قوانین عظمت ملت جدایی ندارد»، قوانین هستی که بنظر ماسناسایی آن آسانتر می‌باشد. موجودیت ملت را تا امروز مورد رسیدگی قرار میدهد، درحالی‌که قوانین عظمت ملت ناظر به حوادث آینده خواهد بود که ظاهراً مفروضات آن از حیطة اختیار ما خارج است. ولی واقعا چنین نیست.

ادامه دارد

حزب پان ایرانیست

گرد آورنده زهرا صفارپور

رضا شاه روح‌شاد

# هشدار سیاسی مهم به اوپوزیسیون برون مرز

## اتحاد و همبستگی یا ایجاد تفرقه؟

بسیاری از هم میهنان و سازمانهای جمهوری خواه برای اثبات حقانیت خود سخن را با عبارت کلیشه ای «سامانه پادشاهی در پی انقلاب سال ۱۳۵۷ به تاریخ سپرده شده» آغاز میکنند. بی آنکه سند و مدرکی ارائه دهند. باید توجه داشت که همه پرسى سال ۵۸ که برای برقراری جمهوری اسلامی و از سوی شورشیان ۵۷ برگزار شد و پایه استدلال این هم میهنان قرار دارد از نظر حقوقی و قانونی باطل است زیرا:

۱- رهبر شورش ۵۷ یعنی خمینی در پاسخ اعتراض رئیس دولت موقت منصوب خودش مهدی بازرگان، آخوند کراواتی، آشکارا می گوید «خدعه» کردم و اضافه می نماید برای «اسلام» و «حکومت اسلامی» هر کاری از جمله تزویر، خدعه و تقیه «دروغگویی شرعی» مجاز است. در این راه هرگاه لازم باشد میتوان نماز و روزه را تعطیل و مسجد را خراب و خمس و زکات را متوقف کرد. از دیدگاه قانون مدنی ایران چه پیش از شورش و چه پس از آن و برپایه هر قانون مدنی موجود در جهان هر قراردادی از جمله قانون اساسی که بر پایه خدعه و تزویر و تقلب منعقد گردد باطل و فاقد اعتبار حقوقی میباشد.

۲- در همه پرسى و در اجرای نظر خمینی که آمرانه دستور داد «جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر» پرسش این بود که آیا با جمهوری اسلامی موافقت یا خیر. در این همه پرسى که با تمام اصول اولیه انتخابات آزاد مغایرت داشت و به زور سرنیزه و با صندوقهای جداگانه سبز و قرمز انجام گرفت پرسش نشد که آیا قانون اساسی مشروطیت ملغی شود یا خیر.

۳- در این همه پرسى حتی اگر اصالت و درستی آن را از نظر شکلی بپذیریم چون از دیدگاه حقوقی کسانی که در رای دادن شرکت کردند از محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی که هنوز وجود نداشت بی خبر بودند و در واقع به موضوع «مجهول» و تنها به گفته های خمینی رای دادند. رای به مجهول و قراردادی که بر آن پایه بنا شود یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی باطل است. گویا از سوی حزب مشروطه ایران نیز اعلام گردیده که قانون اساسی مشروطیت «ملغی» شده است. هر میهن پرست و هر شهروندی حق دارد نسبت به رویدادهای روز یا نقشه راه و چگونگی براندازی جمهوری اسلامی دیدگاه خود را به آگاهی ملت برساند. ولی زمانی که حزب مشروطه ایران در راستای همکاری با شورای گذار و شورای تصمیم چنین دیدگاهی را آگاهی میدهد چند پرسش اساسی مطرح می گردد:

نخست آیا حزب مشروطه ایران موجودیت خود را زیر سوال میبرد؟

دوم اینکه شایسته است حزب آگاهی دهد که قانون اساسی مشروطیت ایران در چه زمانی و چگونه ملغی شده است. پیش از این بسیاری از سازمانهای جمهوری خواه نیز چنین ادعایی کرده اند و مستند آن ها همه پرسى سال ۱۳۵۸ است که به آن پاسخ داده شد سوم اگر واقعاً قانون اساسی مشروطیت ملغی شده میتوان بگونه منطقی به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی قانونی است و تمام فعالیتها و فروش خاک و آب و معادن و همه قراردادهای خائنانه رژیم با دیگر کشورها قانونی بوده است. از اینرو اگر هر فرد یا سازمانی بر علیه جمهوری اسلامی اقدامی انجام دهد اقدام بر علیه امنیت کشور بوده و شورش تلقی میگردد. باتوجه به دلایل یادشده بالا قانون اساسی مشروطیت ایران نه تنها قوت قانونی خود را حفظ کرده بلکه پس از برکناری جمهوری اسلامی و انجام همه پرسى آزاد و اصلاحات ضروری تنها قانونی است که به موجودیت خود ادامه خواهد داد.

**شورای بازپس گیری ایران**

**جبهه هماهنگ مبارزان ایران**

**نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایران زمین**

به خرافه، نخواهد ماند. و از همین روی بوده است که تلاش فراوان به کار می‌گیرد تا توانایی آدمی را از بازو به روان او بکشاند و به او بیاموزاند که هنر و خرد برتر از گوهر و نژاد و توانایی‌های پیکری‌اش هستند، و برای انجام این‌گونه دگرگونی که آنرا برای مردمش بیش از خوراک و دین و آیین بایسته می‌دانسته است، سخن را که او به گفته‌ی خودش، کاخی بلند از آن برآفرشته، داروی درد می‌کند و در فراخوانی آدمیان به خرد و فرهنگ و اندیشه، کوشش بسیار می‌کند. او خدای را خدای مهربان و بخشاینده و یا آن‌چنان که سودجویان گیتا خواه درباره‌اش سخن گفته و می‌گویند، به ما نمی‌شناساند، بلکه او به گفته‌ی خودش، دادار دارنده‌ی هور و ماه و گرداننده‌ی روز سپید و شب سیاه را خداوند جان و خرد به ما می‌شناساند و توانایی آدمی را در دانش‌وری و دانش‌پژوهی او می‌داند. در فرهنگ فردوسی، اندیشه و خرد و فرهنگ، دین آدمی به‌شمار می‌روند. او هرگز به آیین نیاکانی خود پشت نکرده و هیچ اندیشه‌ای به جز آیین خداوند جان و خرد (هستی بخش بزرگ و دانا = اهورا مزدا) را در دل نمی‌پذیرفته است. در این هنگامه، که ایران گرامی ما نه تنها اندک از دوران پُرشوب زندگی فردوسی نیست، آتش بی‌خردی زبانه‌کشیده از نیروهای اهریمنی، نزدیک به نیم سده فرهنگ ایران را به پرتگاه نابودی کشانده، برای آگاهی دادن به فرزندان این آبوخاک و برای آماده‌سازی آنان به‌سوی یک رستاخیز بزرگ و رهایی‌آفرین، هیچ جنگ‌افزاری نمی‌تواند به‌امند تر از فرهنگ و اندیشه‌ی فردوسی باشد.

فردوسی فرهنگ مند، فرهنگ‌جو، فرهنگ‌خو، فرهنگ پرور، فرهنگ نواز، فرهنگ گستر، فرهنگ‌آور، و سرانجام فردوسی خداوندگار فرهنگ و اندیشه‌ی آدمی‌گری، و پیام‌آوری که اهورای دانا در یکی از تاریک‌ترین شب‌های زندگانی مردم ما، او و سرورش را آیین یافته به شمشیر خرد برای پیکار با تاریکی اندیشه‌ی تازیان، به ما ایرانیان و آینده‌ی مردمان ارمغان داد.

خرد چشم جانست چون بنگری

که بی‌چشم شادان جهان نسپری

همیشه خرد را تو دستور دار

بدو جانست از ناسزا دور دار

فردوسی تنها یک سراینده نیست، فردوسی یک پیام‌آور بزرگ است از خودخواهی‌ها به‌دور، که

مانده فردوسی در ستون روبرو

برای دست‌یافتن به خواسته و نیروی این جهان و برانگیختن آتش کینه و جنگ، خود را به خداوند گیتی نچسبانید، ولی با نمایش آزرخش گونه‌ی سخن و ارمغان دادن شیوه‌های خروشنده و استوار واژه‌هایش، ایرانیان را آموزه راستی و میهن پرستی آموخت. شاه‌نامه، این سروده‌ی شاهنشاه سخن‌وران گیتا، مردم را از خرافه پرهیز می‌دارد و خود به پیکار با بی‌دانشی و جادو برخاسته و جنبش سخنورانه‌ی خود را برپایه‌های فرهنگ و خرد و دانش آدمی نهاده و از کنش‌های ریاکارانه و ناشایست دوری گزیده است زیرا که روان آن خردمند بزرگ، روان پُرسودای مردی بوده است که دلش تنها به مهر ایران و برای رهایی مردمش می‌تپیده است.

دریغ است ایران که ویران شود

کنام پلنگان و شیران شود

## بامید پیروزی ایران

مانده خویشتن خویش از رویه ۱

می دانیم که جمهوری اسلامی کاری جز رهنمون شدن ملت ایران به زنگارهای واپسگرایی کار دیگری نکرده است

با برگزاری این برنامه شاهزاده رضا پهلوی نشان دادند که پایبند سوگند خود، که در چند سال پیش خورده اند، هستند

در برنامه‌ی نامبرده شاهزاده رضا پهلوی، با پاسخ‌های سنجیده و خردمندانه‌ی خود نشان دادند که فرهنگ پرچار ایران راهنمای ایشان است.

ملت ایرانی به خوبی می‌داند از روزی که ایشان چشم به جهان گشوده اند، برای همین گمارش (مأموریت) پرورش یافته و آموزش دیده اند.

شاهزاده رضاپهلوی به خوبی دریافته اند، این روزهاست که آن آموزش‌ها بکارشان می‌آیند و می‌باید با گام‌هایی استوار در راه رهایی سرزمین از چنگال این اهریمنان نیرنگساز، بکوشند.

ما هواداران سامانه‌ی پادشاهی پارلمانی شادیم که شاهزاده رضاپهلوی پرچم کارزار با حکومت بچه‌کش را به دوش گرفته اند

جوانان به ویژه زنان که هزار آفرین دارند، به ویژه آنان که هوادار سامانه‌ی پادشاهی هستند با گرفتن جانشان بر کف دست، برای به دست آوردن آزادی چشم به راه رهنمودهای شاهزاده رضاپهلوی هستند.

پایان

## نگاهی به شهادت درست تاریخی

توجه خوانندگان گرامی را به مصاحبه شاهنشاه اریامهر محمد رضا شاه پهلوی را در سال ۵۷ بعد از خروج ایشان از وطن جلب می‌کنم .

مصاحبه ای که به زمان خود بگوش ملت ایران نرسید! سخنانی که بازگو کننده آینده ایران و امروز ملت ماست هموطن :بپا خیز تا این رژیم کودک کش زن ستیز ، فرصت نیابد تک تک دختران و پسران میهن ما را با گلوله و یا بطریق سمهای گازی در مدارس دخترانه بکشد . زیرا تنها موردی که از خدمات دویادشاه ایرانساز پهلوی باقی مانده بود . رفتن دختران بمدرسه بود ، که در روزها از عوامل رژیم سفاک میشنویم که تفکر بو کو حرام با مسموم کردن دختران ما در مدارس قصد دارند مانع تحصیل فرزندان ایران شوند . اتفاقی که هرگز عملی نخواهد شد .

### برگردان سخنان اریامهر بزرگ در سال ۵۷

مصاحبه کننده نا مشخص

شاهنشاه : ازم من می پرسید چرا آنها آینقدر ضد من متمرکز شده اند؟ متمرکز روی شخص من ومن را به کشتار و قتل عام وسوء استفاده مالی متهم می کنند ، که از روحيات وطبیعت من خیلی دور است . آنها دارند شیوه مشابه تبلیغات نازی را علیه من بکار میبرند ، که اتفاقا نادر است . الان شما می بینید آن مردی که در ایران قدرت گرفته ، نمیخواهد درباره تاریخ کشور ما چیزی بشنود . تا یک روز قبل از وقتی که در سال گذشته به تهران برگشت و قدرت را قبضه کرد .

او میگوید چیزی بنام تاریخ ایران وجود ندارد ، و در تاریخ ایران حتا یک پادشاه خوب وجود نداشته ، او فکر می کند ، تاریخ کشور ایران با شخص خودش از بهمن سال ۵۷ آغاز میشود ، بهمین دلیل تا این حد روی من تمرکز میکنند .

چون من پادشاه بودم .

آنها میخواهند تاریخ ایران را محو کنند ، چه من بعنوان پادشاه یا پادشاهان دیگر .

آنها میخواهند تاریخ ایران را محو کنند ، و هرچه تا قبل از سال ۵۷ وجود داشته باید محو شود ، یک وطن پرست باید به آینده فکر کند ، من به سال ۲۰۰۰ فکر میکنم ، اگر جوانان و مردم مان را بیرون از حلقه تکنولوژی های جدیدنگه داریم ، چطور میتوانیم در سال ۲۰۰۰ با بقیه کشورهای جهان رقابت کنیم ، مگر اینکه حاضر شویم بپذیریم که به رده ی کشورهای رده پنجم و ششم سقوط کنیم .

اعلامیه گروهی از نمایندگان مجلس امریکا که شکل جمهوری را برای نظام آینده ایران به رئیس جمهوری شان پیشنهاد کرده اند باید درس عبرتی باشد . یقینا ادامه هر شکلی از حکومت جمهوری در میهن ما منطبق با خواست استعمارگرانی است که با سیاست هایشان تاکنون جز سیاه روزی ملت ایران نخواستند و صراحتا این نکته را تاکید کرده اند که استقرار نظام پادشاهی مشروطه پارلمانی سکولار که مردم ما به روشنی در حدود سیصد شهر بزرگ و کوچک آنرا خواسته اند زنگ خطری دوباره برای تداوم غارتگری هایشان خواهد بود . به ویژه که تجربه تلخ دوران شاهنشاهان ایران ساز پهلوی را هنوز با گوشت و پوستشان احساس کرده اند و به یاد دارند . نسل جوان روشن بین امروز ایران با نگاهی کوتاه به سابقه و عملکرد آن دسته از سیاست بازان دغلكار و مدعیان روشنفکری ایران برپادده به خوبی متوجه می شوند که مدعیان جمهوری خواهی همان هایی هستند که می دانند با استقرار دوباره نظام کهنسال و پرشکوه شاهنشاهی ایران کارنامه سیاه خود یا پدرانشان که جاده صاف کن سقوط وحشتناک امروز ایران بوده اند در برابر ملت بزرگ ایران به وضوح بیشتری گشاده خواهد شد . جریانات جهان وطن ، ضد ملی و تجزیه طلبان بی وطن ، و همه آن هایی که با چهره های چپ و راست و مذهبی و لاییک موافق میل جهانخواران جنایتکار شرق و غرب در سقوط موقت نظام هزاران ساله سرافرازی بخش ایران دست داشته اند و یاران نوپای استعمارگران رنگارنگ ضد ایرانی که خواست واقعی شان در به اصطلاح توجیه جمهوری خواهی است ، نتیجه ای جز تداوم سقوط ملت ده ها هزار ساله ایران در بر نخواهد داشت . ایران برای تجدید مجد و عظمت خود و برای رفاه و سربلندی مردمانش و آرامش و پیشرفت اندیشه های نیک انسان گرایانه اش ، پدر می خواهد و شاهنشاهان ایران همواره پدران بوده اند که چون ساروجی این سرزمین الهی و ملت ایزدی را با همه گروه های گونه گون و مذاهب و تنوعات زیبایش در اوج اخلاق و منش انسانی به سوی سربلندی و سرافرازی و درخشش فرهنگی و گسترش علم و فرهنگ در عرصه جهانی رهبری کرده اند .

دریغا ایران که ویران شود... آری ، راه در جهان فقط یکی است و آن راستی است که جز با استقرار دوباره نظام شکوهمند شاهشاهی ایران آن راستی تحقق نخواهد یافت .

## حزب پان ایرانیست ایران

حاکمان جديد ميگويند پسران ۱۵ ساله ودختران ۱۳ ساله مي توانند ازدواج کنند.

نرخ رشد جمعيت ما همين حالا بالای ۲/۳ درصد است بزودي هم به رده ۵ تا ۶ درصد ميرسيم.

چطور ميخواهند شکم اين جمعيت را سير کنند ، به خصوص در روزي که پول نفت که چرخ اقتصاد را مي چرخاند تمام شود .

اين کار فقط از طريق پيشرفت تکنولوژي وپيشرفت علمي ممکن است، و آينده جهان برپايه علم و تکنولوژي است.

واين تکنولوژي را فقط در جهان غرب مي توان يافت پس اين مرد (خميني) به کشور واينده اش اهميت نمي دهد او فقط به نفرت خودش عليه من اهميت ميدهد.

من به کشورم به مردم واينده ي ايران مي انديشم و او ميخواهد فقط من را نابود کند .

خيرنگار: فکر ميکنيد جوانان آينده ي ايران چطور به دوران پادشاهي شما نگاه خواهند کرد ؟

شاهنشاه اريامهر: حقيقت و واقعيت تاريخ براي هميشه پنهان نخواهد ماند، اين غيرممكن است! حقيقت آشکار خواهد شد، و در هر موردی دير يا زود حقيقت آشکار ميشود.

خيرنگار: فکر ميکنيد پنجاه سال ديگر ايرانيان ، شما را چگونه قضاوت خواهند کرد. ؟ شاهنشاه : پنجاه سال! اميد وارم خيلي زودتر اين اتفاق افتد.

خيرنگار: فکر ميکنيد بعد از گذشت مدتي مردم ايران چه قضاوتي درباره شما خواهند کرد .؟

شاهنشاه : خب اگر تاريخ بخوانيد مي بينيد که تا قبل از دوران پدرم شرايط چطور بود.؟ زماني که من به پادشاهي رسيدم چگونه بود ؟ زماني که من کشور را ترک کردم چطور بود.؟

خيرنگار: آيا فکر ميکنيد مردم پشت شما را خالي کردند يا شما پشت مردم را خالي کرديد . ؟

شاهنشاه : اولاً وقتي ميگويم مردم نمي توانيم درباره همه مردم صحبت کنيم اين کاملاً اشتباه است ، ميتوانم بگويم که اکثريت خاموش ساکت ماندند ، و اگر من پشت مردم را خودم خالي کرده بودم. به دلایلی بود ، که سعی ميکنم توضيح دهم ، وان دليل اينست که یک پادشاه نمي تواند ديکتاتور باشد ، وپايه یک سلطنت براساس کشتار و خون ريزی باشد ، اين تنها توضيح من در اين باره است.

خيرنگار. آيا فکر ميکنيد مردمتان پشت شما را خالي کردند.؟

شاهنشاه : خب اکثر آنها ساکت باقی ماندند. خيرنگار: آيا بدترين چيز براي شما اينه که اينجا باشيد و در فکر وطنتان باشيد .!

خب اينجا ويا هر جای ديگه وقتي بيرون کشورم باشم فرقی ندارد موضوع اينست که نمي توانم مدام به کشورم فکر نکنم .

خيرنگار : وقتي به کشورتان فکر ميکنيد چه چيزی بيشتر از همه به شما حس دلتنگی ميدهد .

شاهنشاه : چيزی که دلتنگم ميکند ومن را عميقاً به گريه مي اندازد ، انست که ما در اين سال به طور قطع تا سال ۱۳۶۱ ميتوانستيم به پيشرفت های

بزرگ ومهمی دست پيدا کنيم ، اما الان کجا هستيم ؟ چه چيزی بدست آورده ايم ؟ مذهب.؟ دموکراسی.؟ حقوق بشر.؟ مردم سالاری.؟ پايان مصاحبه

شاهنشاهها. شاه ايرانزمين. شاه دلسوز ، شاه

ايراندوست دريغ که ما ملت ايران قدر شناس

شما نبوديم و بکسی رای داده شد که در مقابل

پرسش فریب خورده ای ديگر چه احساسی

داريد به ايران باز ميگرديد جوابش (( هيچ بود)) شنيديم. اما به جمهوری اسلامی، به

تعداد بيش ازواجدين شرايط برای رای دادن،

رای داده شد. اين آن تفاوت بين شاه وملت

ست که امروز باز پس مانده های ۵۷ سعی

دارند پادشاه بزرگ را همسو با شيخ وملا

بدانند . اما نسل آگاه بيدار کنونی ايران زودتر

از پنجاه سال دريافت و فریاد زد :

(( ايران که شاه ندارد حساب کتاب ندارد))

پيروز وپاينده باشيد

زهرآ صفرپور اسفند ۲۵۸۱ پادشاهی

شورای باز پس گيري

نگهبانان نهاد شاهنشاهی

حزب پان ايرانيست

وليعهدکجايي به داداسايي

# چرخ گردون

## سعید حمزوی

هوشیار باشیم در پی حمایت از شاهزاده مدیر ومدبر و سیاستمدار و ایران دوست اجازه ندهیم چرخ گردون ۵۷ دیگری را بر ما تحمیل کند. رژیم اسلامی با جهان غرب وبا واسطه با امریکا به التماس افتاده.

با وجود گرانی پس از مدتها مردم از نیروی امید بهم لبخند میزنند و خانواده‌های رژیم در داخل خود درگیری شدید پیدا کرده‌اند. این انسانیت و جلوگیری از خشونت ضامن سلامت وارد به دوره امنیت و سازندگی شدن است.

چرخ گردون. سر انجام فرهنگ ایران راه رسیدن به پیروزی را با سرعت می‌پیماید این همان وعده پیروزی نور بر تاریکی است که دارد تحقق می‌یابد و از زیبایی بی نظیری برخوردار است که آنرا تاریخ در دل پرورانده و امروز در جایگاهی قرار گرفته تا به فرزندان ایران یاری دهد و راستی و درستی را در این دنیای آشفته مطالبه و بهترین وسیله نجات بخش را بعمل آورد. این کوشش و این راهکار سالم آثار نیک می‌آورد که آئین آمده از طرف فرشتگان است. این فرشتگانی که از آسمان نیامده‌اند بلکه پرورش یافته در زمین شیر پاک خورده مادران پهلوانان روزگار از پیش گامانی که در هر دوره در خاک ایران زاده و حلقه ای در زنجیره پیوسته از کهن به امروزند. دنیا باور نداشت روزی رسد و نسل جوان ایران این حکایت را یکبار دیگر در شکوفائی بی همتا بمیدان آورد و تبدیل به انقلاب جهانی شود و همه انسانها را زن و مرد را برای اولین بار در جهان به برابری رساند. ایرانیها در یک حرکت ملی با عزمی راسخ و با در دست داشتن پرچم سه رنگ سبز سفید و سرخ با نشان شیر و خورشید یگانگی را آنچنان نمایش دادند که دیگر مشکل است بر علیه آن بشود سخن پراکنی کرد مهربی بر دهان کسانی زد و گرفت جلوی بدگویان نا ایرانی را و هرچه این نهضت بیشتر جلو میرود به اعتبارش افزوده میشود مردم ایران یعنی همه در هر جا که هستند داخل و خارج همانها که روزی بدر و دیوار از سوی دفتر دانشگاه ملی نوشته بودند زندگی یعنی امید و حرکت بدون تردید مقصود از امید به زندگی با کوشش از حرکت خدمت را معنی میکند بود روزی از دیوارها بر داشته شد و تصور شد با پایان

# سرفرازی ایرانیان

اسدالله نصر اصفهانی

جنبش یگانه جوانان سرفراز ایران که با خون پاک آن‌ها درخت تنومند چند هزار ساله افتخار و سربلندی ایران و ایرانیان پس از دوره کوتاه و تلخ حکومت ولایت فقیه آبیاری و زنده شد و به انقلاب و نبرد با دیکتاتوری و استبداد بعد تازه ای بخشید، خاموش ناشدنی است. این جنبش الگویی شد برای تمام آینده بشریت. یگانه انقلابی است که دستاورد های آن در ساختار بشریت بیش از انقلاب راستین فرانسه و استقلال آمریکا و انقلاب کمونیستی دروغین روسیه دگر گونی پدید می آورد. راه زندگی و آینده بشریت و انسانیت را پیش پای ما گذاشتند و پیشتازان خردمند و هوشمند نه تنها ایران که همه دنیا شدند. چون عقلانی می اندیشند و با تفکر و اندیشه علمی و گذشت از جان پا به میدان عمل گذاشته اند نیازی به پند و اندرز هیچ کس ندارند. این اسطوره های راستین زنده اند که راه درست پیروزی را به همه ایرانیان نشان داده و می دهند. اینان چون برای نان انقلاب نکرده‌اند، با نان فریب نمیخورند و یک گام پس نخواهند نشست. چون شاهد گورخوابی و زباله گردی کودکان برای زنده ماندن و ستم و بی حرمتی به جایگاه بزرگ زن و گرسنگی و کوچک شماری خود بوده‌اند و پوچی ولایت فقیه دروغین و راه و روش دین سالاری در برابر مردم سالاری را با همه وجود خود لمس کرده اند، برای برکناری مطلق و بی قید و شرط رژیم جمهوری جهل و جنون با گامهای، هرچند در زمان هایی آهسته ولی، استوار و محکم بر می دارند.

شاهزاده رضا پهلوی که حقانیت خود را نه تنها بر پایه پیشینه شاهنشاهی در ایران، یعنی شاه یکسان برای همه، و قانون اساسی مشروطیت می‌گیرد، همزمان بر پایه خرد ورزی و درست اندیشی و راست گفتاری و کرداری و میهن پرستی و تجربه ۴۴ ساله مبارزاتی پیگیر، تسلط بر گفتار و زبان جایگاهی یگانه بین مردم ایران دارد که هیچ یک دیگر از مدعیان قدرت ندارند.

با پیروی از خواست و اندیشه خردمندان این بزرگان جوان سال و نه از سالخوردهگان کودک اندیش با گذشت و فداکاری در راستای مبارزه و نبرد رو در

سال تحصیلی می خواهند دیوارها را رنگ بزنند بعد معلوم شد میر حسین موسوی دانشجوی معماری پیش نماز شب شده و از این شعار استفاده ابزاری میکند با تمرکز بتدریج بعضی از دانشجویان با دو نوع فکر در کمپ چپ و مذهبی که تا آنروز خدا پرستی را معرفی میکرد و مقاومتی در برابر بی دینی و مارکسیستی شمرده میشد تبدیل به اتحادیه شد کیا نوری و مطهری و شریعتی گروه چپ یکدسته نبودند نه فقط از شوروی و چین بلکه از تندروهای انگلستان و فرانسه و کوبا و اروپای شرقی که در مطبوعات نوشته و دیده شد الهام میگرفتند و با مذهب که اخر حسینیه ارشاد را به پایگاهی تبدیل و در توسعه فعالیت سیاهی از بسیاری چون بهشتی مفتاح بازرگان حاج سید جوادی و میناچی بازیگری را شروع کردند طالقانی و خمینی را جلو انداختند و ایران آباد را به این روزگار سیه نشانده. درست است مهسا را کشتند و جان او را با مشتی گرفتند، نشان دادند رحمی در دل ندارند همه گویا در صف ایستادند تا هنری را که در باشگاه اهریمن اموخته اند به اثبات رسانند

پایان



ایرانسازان



ویرانسازان

رو با رژیم به میدان آمده اند. چون تنها راه رسیدن به یکپارچگی سرزمین و آزادی های نخستین انسانها و تعیین نوع ساماته حکومت جایگزین برپایه همه پرسسی و انتخابات آزاد، پشتیبانی از ایشان است. از این رو شایسته است همه میهن پرستان و ایران دوستان از این شخصیت یگانه تاریخی و بزرگترین امید برای رهایی سرزمین مان ایران به هرگونه ممکن پشتیبانی کنند. همانگونه که هموندان شورای بازپس گیری ایران و جبهه هماهنگ مبارزان ایران و نگهبانان نهاد شاهنشاهی این پشتیبانی را آگاهی داده اند.

اگر بنا بر مصلحت سیاسی شاهزاده رضا پهلوی برای نشان دادن راه و آینده که یک پادشاه فرا گروهی و فراحزبی و فرا مذهبی عمل می کند ، با کسانی که ما دوست نداریم نشست و برخاست سیاسی می کنند نباید کوچکترین تردیدی در پیروزی میهن پرستان پدید آورد. هر میهن پرست و هر ایرانی می تواند و حق دارد که با باور سیاسی دیگران هماهنگ و همراه نباشد ولی ایشان به حکم تاریخ و به حکم وظیفه ای که در پیش دارند نه تنها می توانند بلکه باید با همه گروه ها نشست و برخاست کنند. مهم برای ما ایرانیان نجات ایران و باز پس گیری ایران است و آنهم به شکل و شمایل وقوانین حاکم پیش از روز شورش کور ۵۷. شاهزاده رضا پهلوی بسیار آگاهانه ، عاقلانه ، مدبرانه و سیاست مدارانه در این راه وخواست انقلابیون درون مرز گام برمی دارند. پایان





# برتری سامانه پادشاهی بر سامانه جمهوری

## اسداله نصر اصفهانی

### بخش دوم

## حقانیت نظام پادشاهی مشروطه در ایران

**۱- طبیعی بودن-** هر قاعده و قانونی که با طبیعت انسانها سازگار نباشد، دیر یازود یا فاقد قدرت اجرایی میشود یا بکلی منسوخ میگردد نظام جمهوری با طبیعت مردم ایران که در اعصار و قرون متمادی در نظام شاهنشاهی پرورش یافته اند و نسل اندر نسل جزو سرشت طبیعی آنها شده ، سازگار نیست.

**۲- سابقه تاریخی** بیش از ۲۵ قرن تاریخ پرافتخار، تنها نظام شاهنشاهی ایران موجب ثبات و پایداری ملت در برابر اجانب و بن مایه وحدت و همبستگی و یگانگی و یکپارچگی ملی بوده است. نظام شاهنشاهی تنها رژیم است که حقوق انسانها و آزادی اقوام و مذاهب را مرعی داشته و این آزادی را نه تنها برای پارسیان بلکه برای تمام اقوام و ملل زیر چتر شاهنشاهی خود تأیید و تضمین کرده است

### ۳- سابقه فرهنگی:

(الف) پادشاه و پادشاهی بعنوان یک سنت تاریخی با فرهنگ ایران زمین درهم آمیخته است. در فرهنگ فارسی شاه مفهوم بالترین ، بهترین و والاترین و با عظمت ترین را دارد. مانند شاهکار- شاه پسند - شاه بیت - شاهراه- شاه پر- شاهوار- شهبسوار- شاهوش

.....

(ب)- شاهنامه که سند پر افتخار هویت ایران زمین است و بزرگترین نقش را در حفظ استقلال و ناسیونالیسم ایرانیان داشته و دارد ، خود زانیده نیاز فرهنگی ایرانیان و در حقیقت باز گو کننده خواستههای درونی و قلبی ایرانیان بوده است.

هجو نامه فردوسی در باره سلطان محمود غزنوی که حتی در کتابهای درسی آمده بود بنظر پژوهشگران و صاحبان نظران از فردوسی نیست و ایرانیان بر مبنای ناسیونالیسم ایرانی و بیگانه زدائی، آنرا سروده و به فردوسی منتسب ساخته اند تا همراه با « تخم سخن» در گیتی پراکنده گردد. این امر نشانه نیاز فرهنگی مردم ایران زمین و خواستاری آنها به بازگشت به نظام پیش از حمله تازیان بوده است.

**۴- مبنای قانونی-** وجود اوپوزیسیون (مخالفان حکومت) درون مرزی و بیرون مرزی، نشانگر این واقعیت است که از دیدگاه بخش بسیار بزرگی از ملت ایران ، نظام موجود هیچگونه مشروعیتی ندارد و مردم خواستار تغییر و سرنگونی رژیم هستند. پاره ای که به اصلاح آن از درون دل بسته بودند، اکنون به غیرممکن و واهی بودن اندیشه خود پی برده اند. جز عمال حکومت و بخشی از متعصبین مذهبی ، ملت در پی فروپاشی این رژیم و برقراری نظامی بر پایه اراده ملت و سنت و تاریخ هستند. رژیم موجود پس از کسب قدرت ، به منظور ایجاد مشروعیت ظاهری قانونی ، به نمایش رفتارندوم دست زد و در سایه سلاح پاسداران و کمیته ها و پراکندن انواع شایعه برای ترساندن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت در بین اکثریت مات و خاموش ، ظاهراً رأی مردم را به دست آورد.

**از نظر حقوقی این رأی گیری فاقد اعتبار و باطل است.**

زیرا:

۱- رأی گیری بر پایه فریب و کره و اجبار قرار داشته و در فضائی پر از ترس و ارباب و در سایه اسلحه و زور تحمیل شده است.

۲- رأی دهندگان ، به جز پاره ای از کارگردانان، از بن مایه نظام و به آنچه رأی داده اند، آگاهی نداشته اند. و در واقع رأی به مجهول از پایه باطل است

۳- مشارکت کنندگان در تغییر رژیم از راه رأی گیری و پیش قراولان آنها، اینجا و آنجا، کتباً و شفاهاً ، اعلام نموده اند که فریب خورده اند و پاره ای از

ملت ۸۵ ملیونی متحد دارای روحیه غرور ملی و رهبری ناسیونالیستی.

**بگونه ای فشرده ، نظام پادشاهی مشروطه پارلمانی ، در برابر سایر نظامها دارای ویژگیها و برتریهای زیر است:**

۱- پادشاه نماد وحدت ملی و یکپارچگی و استقلال کشور و حافظ قانون اساسی است. تیره های گوناگون ایرانی ، پادشاه را که فرا قومی و حزبی و مذهبی عمل میکند میپذیرند. در واقع پادشاه ، بعنوان پدر ملت و داور نهایی عمل میکند.

۲- روحیه ناسیونالیستی ایرانی که در ادوار و قرون متمادی سبب بقاء کشور و تداوم نظام و پاسداری از فرهنگ و تاریخ و سنن دیر پای ایرانی بوده است تقویت میشود و پادشاه محوری است که میهن پرستان و ناسیونالیستها ، گرد آن محور ، پاسداری از کشور و نظام و تاریخ ایران را بعهده خواهند داشت.

۳- حاکمیت با مردم است. مردم از طریق انتخابات پارلمانی و گزینش رئیس دولت ، حکومت میکنند. در این نظام تمام اصول و موازین دموکراسی و کثرت گرایی ( پلورالیسم) سیاسی، که آرمان بسیاری از روشنفکران امروزی است ، میتواند پیاده شود. برنامه ها و سیاستهای اجرایی حکومت و دولتها با نیاز های سیاسی، اجتماعی- اقتصادی ، فرهنگی و آموزشی جامعه ، که همواره در تغییرند ، میتواند هم آهنگ شوند. دولتی که عملکردش مغایر خواست مردم باشد و نا رضائی فراهم کند ، جای خود را بدولت دیگری میدهد ، بدون آنکه کل نظام دستخوش تغییر و تحول و بی ثباتی گردد. تداوم در نظام وثبات و امنیت کشور موجب ادامه پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه رفاه مادی و معنوی بیشتر افراد ملت در بلند مدت میگردد. پایان

روشنفکران و نویسندگان و گروههای سیاسی که توانستند اقلیتی از اکثریت خاموش ملت را به خیابانها سرازیر کنند، به فریب خود اعتراف نموده اند و برخی عمل خود را خیانت دانسته و از این خیانت اظهار پشیمانی کرده اند. ۴- محتوای قانون اساسی جمهوری غاصب اسلامی ، حتی با خواست مشارکت کنندگان ، هم آهنگی نداشته و تحصیل موافقت آنها نیز با جعل و تزویر و خدعه و نیرنگ و فشار همراه بوده ، و از لحاظ حافظه ملی ایرانیان ، به یاد ماندنی است. ۵- با پذیرش عدم اعتبار و بطلان رأی گیری ، نظام کنونی از هرگونه مشروعیت و مقبولیت حقوقی ، حکومتی و اخلاقی بی بهره است. بنا بر این پس از فرو پاشی رژیم تا همه پرسسی و تشکیل مجلس مؤسسان، قوانینی که در این دوره فترت حاکمیت دارند، قوانین و قواعد و مقررات مدنی و جزائی و بویژه تداوم قانون اساسی قبل از این نظام است.

### نتیجه گیری

در ایران ، بنا بر آنچه گذشت ، و با توجه به فرهنگ و تاریخ کهن پر افتخار از یک سو و ترکیب نژادی و تیره ای جمعیت و زبانها و لهجه های گونه گون و ویژگیهای سرزمینی هر بخش از کشور و روحیه ناسیونالیستی مردم ایران و خلق و خوی ایرانیان و اعتقاد و عادت داشتن به وجود رهبری عالیه از سوی دیگر ، طبیعی ترین و مناسب ترین و قانونی ترین نظام ، پادشاهی مشروطه پارلمانی است. بر قراری نظام جمهوری در ایران ، که هیچیک از اقوام و تیره ها و قبایل ، جز خود ، به حکومت سایر اقوام و تیره ها و قبایل و مناطق تن در نخواهند داد ، دیر یا زود به جنگ داخلی طولانی و خونریزیهای مداوم و در پایان به پاره پاره شدن ایران میانجامد. بویژه اگر بیگانگان و قدرتهای مسلط جهانی، برای تأمین منافع زود گذر و نا مشروع خود ، این نا بسامانیها را پایه گذاری کنند یا دامن بزنند. کنار آمدن کارگزاران اصلی سیاست جهانی و قدرتهای مسلط یا کارتهای غول آسای چند ملیتی ، با چند کشور تجزیه شده کوچک ، زیر ده ملیون نفر ، با هدف غارت و چپاول منابع ملی آنها ، بسیار ساده تر و بی درد سر تر است تا کنار آمدن با یک کشور آباد و یکپارچه و یکدست با

کشور که شاه نذاره  
حساب و کتاب نذاره



# شورای بازپس گیری ایران زمین

میجنگیم میمیریم ایران را پس میگیریم

آدرس ایمیل شورا [bazpasgiri1401@gmail.com](mailto:bazpasgiri1401@gmail.com)

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

پیام نامه شورای باز پس گیری ایران شماره ۵

تاریخ ۱۱ اسفند ۲۵۸۱ شاهنشاهی و ۱۴۰۱ خورشیدی برابر ۳ مارچ ۲۰۲۳ ترسایی  
تلفن گروه نویسندگان در آمریکا ۲۳۴۵۲۹۵۲۹۵۰۵۱۶۵ و در اروپا ۴۳۸۸۰۴۳۲۳۶۳۱۱۳  
نوشتارهای این شماره:

- |   |                        |
|---|------------------------|
| ۱- پاینده ایران- ناسیونالیسم ایرانی             | زهره صفار پور          |
| ۲- خویشتن خویش - بخش چهارم                      | ژاله دفتریان           |
| ۳- درفش رهایی بخش و فرهنگ ساز فردوسی            | علیرضا طرخانی (ایران)  |
| ۴- هشدار مهم سیاسی به اوپوزیسیون برون مرز       | سه سازمان پادشاهی خواه |
| ۵- کدام جمهوری                                  | از ایران               |
| ۶- نگاهی به شهادت درست تاریخی                   | زهره صفار پور          |
| ۷- چرخ گردون                                    | سعید حمزوی             |
| ۸- انقلاب و سرفرازی ایرانیان                    | اسداله نصر اصفهانی     |
| ۹- برتری سامانه پادشاهی بر سامانه جمهوری- بخش ۲ | اسداله نصر اصفهانی     |

کشور که شاه نذاره حساب و کتاب نذاره

ولیعهد کجایی بداد ماسایی

رضا شاه روح ت شاد